

بیکار پامیر

## مراودات اقتصادی با چین به سود افغانستان است

باید پرسید که تحرکات، تحولات، رفت و آمد ها و امضای قرار داد ها میان افغانستان و دولت چین که در روز های پسین صورت گرفت، چه تأثیر بوضع و حال سیاسی و اقتصادی مردم افغانستان خواهد داشت ؟

به منظور اینکه اهمیت موضوع را بهتر بدانیم، باید تذکر دهیم که سرزمین پهناور چین، نه تنها تاریخ بسیار دیرینه دارد، بلکه از جمله چند حوزه محدود تمدنی جهان قدیم نیز بحساب میرود. چین در مسیر تاریخ طولانی اش، دارای امپراتوری های بزرگ و مقتدر سیاسی - نظامی نیز بوده است. این خطه مهم جغرافیایی، پس از آفت وخیز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دراز مدت و متعاقب انقلاب سال 1911م به رهبری " سون یاتسن"، برای نخستین بار شاهد پیروزی انقلاب عظیم اجتماعی و دموکراتیک در سال 1948 میلادی بود.

رهبری انقلاب چین، در عین حالیکه ایالات متحده آمریکا را بحیث دشمن سرسخت مردم چین و " خلق های جهان" اعلام نمود و تبلیغات دامنه داری را علیه آن کشور به راه انداخت، هنوز دیری از پیروزی انقلاب سپری نشده بود که با رهبری شوروی دیروز نیز در تقابل و مخاصمت ایدئولوژیک قرار گرفت. این، در حالی بود که با هندوستان یا همسایه جنوبی اش نیز روی قضایای مرزی دچار اختلاف گردید و حتا بعضاً رویا رویی مسلحانه نیز میان دو کشور بوجود آمد.

هرگاه از جریان اختلافها و رویا رویی های فزینی با ویتنام (پس از شکست نیرو های امریکایی و ادغام مجدد دو ویتنام) و کشاکش های سیاسی - دیپلماتیک این کشور با جاپان بگذریم که داستان جداگانه بی دارد، جامعه یک میلیارد نفری چین پهناور، پس از پیروزی انقلاب سال 1948م تا امروز، گام های فراخ و جهش های ارتقایی سیاسی، فرهنگی و

اقتصادی گسترده‌ی بر داشته است، تا آنجا که چین نه تنها امروز، یکی از قدرت های اتمی و دارنده ارتش قوی و قابل توجه در این بخش از جهان بحساب میرود، بلکه یکی از ابرقدرتهای اقتصادی دنیا نیز شناخته شده است. چین از نظر جغرافیایی نه تنها بسیار پهناور بوده و بیشتر از یک میلیارد انسان را در خود جا داده است، بلکه از نظر موقعیت خاص و چگونگی روابط اقتصادی اش با کشور های منطقه و جهان نیز مورد توجه می باشد.

دولتهای افغانستان در سالهای ماضی، صرفاً با برقرار ساختن رابطه عادی دیپلماتیک و عقد برخی از قرارداد های عمرانی با دولت چین اکتفا کرده بودند. یعنی نخواستند و یا نتوانستند با چنین یک کشور بزرگ اقتصادی جهان که در بنا گوش کشور ما قرار دارد، روابط گرم، مؤثر و متقابل داشته باشند. و اما، رژیم های پاکستان، با برخورداری از هشیاری های ذاتی و دیپلماسی فعال خویش توانستند علی رغم وابسته گی نزدیک با ایالات متحده امریکا، از وجود این کشور در شمال پاکستان، در بخشهای مختلف نظامی، علمی و اقتصادی و همچنان، حمایت های سیاسی این کشور بزرگ در سطح منطقه و جهان نیز بهره برداری عظیمی نمایند.

حال که آقای اشرف غنی متوجه ارزش و اهمیت چین پیشرفته در همسایه گی افغانستان شده و میخواهد در روابط وسیع اقتصادی با آن کشور را بگشاید، بجای خودش قابل تحسین پنداشته میشود، با این دلایل که :

اول) این کشور پهناور میتواند با سرمایه گزاریهای بزرگ در بخشهای کشف و استخراج معادن دست نخورده افغانستان، وضع اقتصادی کشور ما را رونق دهد.

دوم) امور ترانسپورتیشن یا انتقال مواد خام از افغانستان به چین، بخصوص از معبر باستانی ( راه ابریشم ) که قرار است مجدداً باز سازی و گشوده گردد، نسبت به هر کشور دیگری سهل تر و با صرفه تر تمام میشود.

سوم) چین با برخورداری از تکنالوژی پیشرفته و تجارب کافی علمی و فنی که در اختیار دارد، میتواند و قادر است پیشبرد پروژه های بزرگ زیربنایی افغانستان را بعهده بگیرد.

چهارم) چین خوشحال خواهد بود، بویژه، مناطق شرقی آن سرزمین را از نفوذ افکار و عناصر تروریستی عقب گرا و تخریبکار، آنهم از ناحیه افغانستان مصون نگهدارد.

پنجم) چین میتواند در سرکوب تروریسم و تأمین امنیت افغانستان، دوش به دوش مقام های دولتی و همنوا با تلاشهای این کشور و سایر کشورهای منطقه، همکاری مؤثر بعمل آورد.

ششم) چین قادر است از نفوذ سیاسی دیرینه اش بالای مقام های پاکستانی طوری استفاده بعمل آورد که آنان را (رهبران پاکستان را) در جهت جلوگیری از گسترش نا امنی توسط گروه های تروریستی در داخل قلمرو افغانستان آماده سازد.

هفتم) چین میتواند در صورت برقراری روابط صمیمانه متقابل با افغانستان، ارتش این کشور را از رهگذر آموزش، تجهیز و تقویت جنگی لازم، مساعدت کند.

هشتم) حضور چین قدرتمند در کنار افغانستان، میتواند بلانس یا موازنه حضور شرق و غرب در افغانستان را متعادل نگهدارد.

نهم) چین با حضور فعال در سازمان شانگهای، میتواند سمت دهنده سیاست های حمایتگرانه سایر اعضای سازمان به نفع آینده افغانستان باشد.

دهم) هرگاه راه باستانی ابریشم، انطور که مقام های چینی اخیراً وعده داده اند، گشوده گردد، نه تنها اکثر مشکلات و نیاز های اقتصادی و بارزگانی جانب افغانستان را مرفوع خواهد نمود، بلکه کشور عزیز ما را در محراق توجه و داد و ستد شرق و غرب نیز قرار خواهد داد.

هرگاه آنچه گفته آمد عملی شود، در عین حال مایه خوش نامی و موفقیت های سیاسی و اقتصادی دولت " وحدت ملی " به رهبری آقای اشرف غنی نزد افکار عامه مردم افغانستان و کشور های منطقه و جهان خواهد گردید.

آنچه البته در این رابطه مهم و ضرورت است ، اینست که آقای اشرف غنی اقدام مؤثر، مفید و سنجیده شده دیگری نیز در مورد وظایف وزارت امور خارجه، استخدام شخصیت های دانا و آگاه ( سیاسی و حقوقی ) مسلط با یک یا چند زبان بین المللی در چارچوب آن وزارت، آموزش دهی لازم و ضروری (دیپلماتیک) برای کارمندان این ارگان مهم و تأکید بر نقش حساس و ارزشمند کار آنان در تقویت روحیه و روابط فی مابین افغانستان و کشور های طرف توجه انجام دهد. یا بعبارة دیگر، رییس جمهور افغانستان بایستی کارمندان وزارت امور خارجه را از بی اطلاعی های دیپلماتیک برهاند و سفارتخانه های کشور را از کرختی و ندانم کاری و راحت طلبی دیرینه، به دستگاه های واقعاً دیپلماتیک فعال، آگاه، کارساز ، مؤثر و ممثل غرور و شایسته گی های ملی مبدل سازد تا در اقدامات و برنامه های مربوط به سیاست خارجی اش موفق باشد. ( پایان )